

بازی شطرنج در گچا بر سر درآمد

و چگونه به کشورهای دیگر راه یافت؟

«مطمئن باش‌ای سرور بزرگ که قصد من از این چیزیکه به نظر شما برای نخستین بار، کوچک می‌آید جز بهره‌وری از تندرستی و سلامتی اندیشه‌ی پادشاهان نیست - هر گاه که می‌بایست همیشه از کسانیکه به آنها نزدیک می‌شوند دوری جویند - وای سرور من! همانا پایه‌های پادشاهی جز به نیکو کاری با مردم و کوشش در راه شکوهمند ساختن آنان پا برجا نخواهد ماند.» این چکیده‌ی سخنی است که بیشتر تاریخ نویسان، آنرا به سازنده‌ی بازی شطرنج درهند - فیلسوف برهه صیصه «باشیاک» نسبت می‌دهند و اینک دوست ترین داستانی که در این اختراع به دست آمده است از نظر شما می‌گذرد:

سرزمین هند را در آغاز قرن پنجم میلادی، پادشاهی جوان که به برتریهای بسیاری چون: محبت و دوستی مردم و به دست آوردن اطمینان و ایمان نشان، شناخته شده بود، فرمانرواشد.

دیرزمانی نکشید که تنی چند از ندیمان چا پلوس و حیل‌گر توانستند بوسیله‌ی نزدیکی و دست یابی به پادشاه از جوانی و کم تجربه‌ی بهر مند شده، این دو عامل را گونه‌ای سواری برای رسیدن به هدفهای ناپاک و آرمانهای فرومایه‌ی خویش قرار دهند. بنابراین با پافشاری فراوان او را به سوی خوشگذرانی و هوسرانی کشیدند، آنگاه پیوندی پلید میان پادشاه و مردمی که او را می‌پرستیدند شدند در نتیجه، کردار و رفتار پادشاه به بدی و کژی گرایش یافت و از سامان دادن به شهرها و کشورداری بازماند، از اینرو کارها روی هم

انباشته شد و بی سرپرست ماند. دانشمندان و دیگر کسان گرد آمدند تا چاره‌ای برای ویران ساختن این عامل و در نتیجه بهبودی اوضاع و احوال ببندیشند ولی هیچیک، از ترس کینه توزی و خونریزی، جرأت روبرو شدن با پادشاه را پیدا نمی‌کرد - در میان آنها دانشمندی بود چاره اندیش و دوربین به نام: «صیصه». او پیمان داد که دست به کاری تازه خواهد زد تا پادشاه جوان را به راه راست و استواری در پادشاهی، رهنمون باشد - از این روی بازی شطرنج را اختراع کرد و سخت به تلاش افتاد تا کوشش پادشاه را در راه تندرستی و شکوهمندی مردم کشورش، به کار اندازد.

به زودی بازی تازه‌ای که این فیلسوف انتشار داده بود، رائج شد. دیرزمانی نکشید که به کاخ پادشاه راه یافت و آنرا پسندید - آنگاه سازنده‌ی آنرا خواست تا دستورها و نکته‌های آنرا بدو بیاموزد، «صیصه» از درستی هوش خود و شادمانی، نزدیک بود پر د آورد. او آغاز به بیان حرکات گوناگون بازی برای پادشاه کرد و آنرا چون خوی و حالت او که در روش و سبکی استوار ریخته بود، شرح داد. چون پادشاه این بدید، آهنگ برگشت از آنچه انجام داده بود کرد و همه‌ی کوشش خویش را در راه بهتر ساختن شهرها به کار انداخت - آنگاه خواست تا «صیصه» دانشمند را پاداشی دهد اما او در حالتیکه از گرفتن آن خود داری می‌کرد گفت: «ای سرور من! اگر از دادن پاداش ناگزیری مرا بسنده است که برای خانه‌ی نخستین یک دانه‌ی گندم، برای دومین خانه دودانه و چهاردانه برای سومین و هشت دانه برای چهارمین، به من دهی - و همینگونه ابزار افزون ساخت تا به خانه‌ی شصت و چهارم رسید.»

پادشاه پنداشت که اندازه‌ی آن بس کم و ناچیز است، از این رو دستور داد آنرا آماده سازند اما بهنگام شمارش آگاه شد که همه‌ی دارائی کشور آنرا بسنده نیست^۱

فیلسوف یاد شده این فرصت را غنیمت شمرد و سخنانی را که در آغاز این گفتار آوردیم، با پادشاه در میان گذاشت.

اشتقاق معنی «شطرنج»

عقاید دانشمندان پیرامون جدا شدن معنی شطرنج و علت تحریف آن از واژه‌ی اصلیش، بایکدیگر اختلاف بزرگی دارد و ما مهمترین نظریه‌ها را که بیشتر نام آور است می‌آوریم:

(۱) (۶۱۱۵ -- ۵۵۱ -- ۷۰۹ -- ۷۳ - ۷۴۴ - ۴۴۶ - ۱۸)

۱ - برخی تاریخ نویسان بر آنند که شطرنج ازدو کلمه‌ی «چاتورآنگا» جدا شده است که معنای آن در زبان سنسکریت «ستونهای چهارگانه» می باشد و آن بدان سبب است که سپاهیان هند، بنا به اقتضای آن هنگام از چهارستون یا پایه تشکیل می یافت، بقرار زیر :

پیل‌ها، کجاوه‌ها، اسبان و پیادگان.

«صیصه»ی دانشمند این نام را به این خاطر بر بازی اختراعیش نهاد که همانند سپاه و لشکراست. در ادبیات سنسکریت به اشعار زیادی برمی خوریم که اشاره به «چاتورآنگا» رفته است و معنای یاد شده رامی دهد.

۲ - پاره‌ای دیگر نسبت ساختن آنرا به دانشمندی ستاره شناس به نام «شاتراتش» می دهند و چنین می پندارند که کلمه‌ی شطرنج از این نام جدا شده است.

۳ - دلیل دیگری نیز آورده اند که از دیگر دلایل سنگین تر و بیشتر مورد پسند قرار می گیرد و آن اینکه: راوان **Ravan** «بادشاه» «لانکا» از توابع «سرندیپ» (۳۸۰۰ ق.م.) دلبستگی فراوانی به جنگ داشت در این میان زنش «ماندا داری **Mondadhari**» می خواست به کاری دست زند تا از بسیاری محبت دیرین شوهرش به جنگ، بکاهد. از این رو به ساختن گونه‌ای بازی که حالت دو سپاه را بهنگام پیکار نشان می دهد، پرداخت تا پادشاه با آن به بازی پردازد. و نیز گفته اند که «مانداداری» گروهی از دانشمندان را بر آن داشت تا به ساختن بازی مزبور مبادرت ورزند. که همین شطرنج باشد و نام «شاتران جای» بر آن نهاده شد. معنی واژه‌ی نخستین (شاتران) در زبان سنسکریت «دشمن» و دومین (جای) «پیروزی بر» می باشد. بنابراین معنی «شاتران جای» پیروزی بردشمن است و از آنکه این بازی، برای دلداری امپراطور «راوان» ساخته شود، «راما **Rama**» : در تحت استیلا و محاصره‌ی او بود.

۴ - گروهی دیگر از دانشمندان چنین می پندارند که شطرنج ساخته‌ی «براهمه» نبوده است (براهمه گروهی از دانشمندان دینی در هند بودند که مذهب آنان به نام برهمنیه معروفست این دین بسیار باستانیست که بودا روح تازه‌ای به آن دمید و مذهب اساسی هند به شمار می رود) بلکه آنرا به بودائیگان نسبت می دهند به این دلیل که کیش بودا، جنگ را سراپا حرام کرده است و بر اثر آموزش آنان، سزای جنگاوران در آنسرای بسی سخت تر از خونریزی

معمولیست، از اینرودست به ساختن وپرداختن این بازی زدند تا شاید آنها را از جنگجویی وکشتار برهانند.

۵ - چینیها مدعی هستند که شطرنج درکشورآنان پرورش یافته است و آنرا صدسال پیش از میلاد مسیح به نام: «چونکی Chunk ki» می شناخته و همچنین بنام: «چوک چوها ننگ کی Chok ehohangki» یعنی «بازی ای در هنر جنگ»، با آن آشنائی داشتند و نسبت اختراع آنرا به یکی از دانشمندان خود به نام «هان سینگ Han sing» می دهند که به دستور پادشاه - کائوتسو Kao Tsu برای دلداری سپاهیان اودر جنگهای مشهور شن سی «Shan si» آغاز به ساختنش نهاده (شن سی نام سرزدهینیست در چین)

۶ - در اینجا دلیل دیگری نیز هست که به بیان آن می پردازیم و آن اینکه شطرنج از ساخته های پارسیان می باشد و از دوواژه ی «شش رنگ» یعنی رنگهای شش گانه گرفته شده است و اشاره به شش پایه یا (مهره) رکنی است که این بازی از آن ترکیب می یابد بقرارد زیر: شاه - وزیر - اسب - رخ و پیاده و همچنین گفته شده است که ستاره شناس یادشده (شاتراش) پارسی بود و بازی شطرنجی را که ساخت همانند اجرام و افلاک آسمانیست .

ولی شاعر رزمی و تاریخ دان پارسی - فردوسی این نظریه را یادآور شده است . در شاهنامه تنها چنین آمده است که: پادشاه هند پیکي همراه با بازی شطرنج به سوی خسرو نوشیروان فرستاد و از او دویاز خواستار شد : ۱- رمزها و راه حل های این بازی را باو بیاموزد ۲ - در غیر اینصورت به پادشاه هند با جگزار باشد. در اینجا سرگذشت دیگری هم هست و آن اینکه خسرو نوشیروان فرمان داد تا بازی «بفرد» را بسازند که از هر جهت (از نظر اراج و اهمیت) با ساخته ی هندیان همانند و برابر باشد .

شاعر رومانی « ویرجیلیوس » بر آنست که این بازی از ساخته های فرمانده: « پلامدس Plamedes » می باشد - در آن هنگام که می خواست بوسیله ی آن لشکریانش را در جنگ مشهور « تراوا Troie » دلداری و نیروبخشد ولی این بازی از شطرنج جداست و « لدرس کالکوروم Ludus calculorum » خوانده می شده است .

۷ - بسیاری دیگر از نظریه ها پیرامون این سخن می چرخد که شطرنج به روم ، پارس ، عرب ایرلند و جز آن پیوند دارد اما این عقیده نه بر پایه ی

علمی و تاریخی استوار است و نه اندیشه‌ی درست، ولی از تحقیق و پژوهش چنین برمی‌آید که شطرنج در هند بوجود آمد و از آنجا به دیگر کشورها راه یافت و در این میان تازیان سهم بیشتری در وارد ساختن آن به اروپا دارند.

« شطرنج چگونه رواج یافت ؟ »

تا دیرزمانی یعنی تا قرن پنجم میلادی، درست هنگام رواج کیش بودا شطرنج منحصر به شهرهای هند بود تا اینکه براهمه‌گرایی به رایج ساختن آن پیدا کردند و ناگزیر از کوچیدن شدند - این خود نخستین سببی برای پراکندگی شطرنج در دیگر شهرهای آسیا بشمار می‌رود. پس از چندی این بازی به عنوان گونه‌ای بازی نوین در ایران، رواج یافت و اندکی بعد تازیان آنرا از ایرانیان گرفتند - از اینرو انتشار شطرنج در جهان بیشتر مرهون آنان می‌باشد. گویند شطرنج از جمله ارمغانهایی بود که هارون الرشید آنرا برای « شارلمان Charlemagne » پادشاه فرانسه فرستاد ولی تئتی چند از تاریخ‌نویسان این سخن را مورد تردید قرار داده‌اند و معتقدند که شطرنج در آغاز جنگهای صلیبی از عرب گرفته شد و عرب اندلس دارای دانشمندی بود که آنرا انتشار می‌دادند اما درست تر آنکه این بازی پیش از جنگهای صلیبی به شهرهای فرانسه سرایت کرد، چنانچه از رخدادهای سال ۱۱۸۷ هجری که ابوالفداء آنرا یاد آور می‌شود، این حقیقت به خوبی شناخته می‌شود مثلاً در نامه‌ای که امپراطور روم به هارون الرشید، خلیفه‌ی عباسی فرستاد چنین نوشته شده بود: «از نیکفوروس Nicphorus» پادشاه روم به هارون - الرشید پادشاه عرب... اما بعد پیش از من ملکه‌ای بود که جای تو در مقام «رخ» بود و او خود در جای «پیاده»، ایستاده نگاه دارائیش را برای تو آورد... ولی این از ناتوانی و کودنی زمان است، هرگاه نامه‌ی مرا خواندی آنچه را که از دارائیش نزد تو است (بدست آوردی) پس بفرست و گرنه میان من و تو شمشیر خواهد بود.» پرورش آن است که اگر در آن هنگام بازی شطرنج میان آنان رائج نمی‌بود، دو واژه‌ی «رخ» و «پیاده» را مجازاً در نامه نگاری بکار نمی‌بردند.

در کتابخانه‌ی «واتیکان» برگه‌ی استواری در دست است که نشان می‌دهد شطرنج پیش از جنگهای صلیبی در اروپا شناخته شده بود و آن نامه ایست که خط «کردینال پتر دامیان. Petr Damian» در سال ۱۰۶۱ میلادی

به اسکندر دوم نوشته است و در آن یکی از کاهنان «اوسیا Ostia» (از توابع ایتالیا) را نکوهش کرده است. آنجا که می گوید: «او بادانش مخالف است و ایستادگی و چیرگی بر راهبی که اوقات خود را در بازی شطرنج نابود می سازد و بوسیلهی این بازی به مقدسات، اهانت می کند و زبانی را که باید برای خدمت پروردگار به کار بندد، پلید و ناپاک می سازد، ضروری و لازم است.

نخستین کسی که شطرنج را به زبان لاتین برگرداند «یعقوب دوسسولی»^۲ بود این بازی در آغاز قرن نهم میلادی به شهرهای فرانسه راه یافت و این نظریه را فرمائنهایی که در آن زمان از سوی کنشت (پرستشگاه یهود) دال بر حرمت آن صادر شده است، استواری می بخشد.

اسقف پاریس «دوسسولی» در زمان فیلیپ «دوگستنس» فرمانی مبنی بر حرمت تمرین در این بازی به «دکلیروس» از جانب پادشاه صادر کرد^۳ و هر کس در زمان پادشاه فرانسه «سنت سولیس» به انجام این بازی می پرداخت ناگزیر ازدادن غرامتی نقدی می شد و فرمانهای «کنستالنا Elna» در باره ی رهبانانیکه این بازی را از کنشت دور و جدا می ساختند، اجرا می شد.

روش بازی شطرنج در آغاز رواجش در اروپا با روشی که امروزه در همه ی کشورهای متمدن مرسوم است اختلاف فراوانی دارد و شکل کنونی آن پس از دگرگونی بسیار جز در آغاز قرن شانزدهم میلادی آشکار نشد. در این میان مؤلف اسپانیایی «روی لوپز دوسگوری Roy Lopez de seguri» در مرتب ساختن و نگهداری اصول و احکام آن کوشش فراوان کرد. زیرا در سال ۱۵۶۱ نخستین کتابی را که اروپا در این فن شناخت و پیوسته سندی در آئین شطرنج بشمار می رود، برشته ی تألیف در آورد. پس از آن بسیاری به این فن رسیدند و پیرامون آن کتابهای فراوانی به زبانهای گوناگون نوشتند. اما تا کنون کتابی که بتواند با کتاب استاد «واندرلند Vanderland»

(۲) و نام کتابی که تدوین کرده است :

**Splatiun Ludi Sacchorum Scilicet
Libellus de Moribus Hominum et Offiis Nobilium**
می باشد.

(۳) فرمانهای پادشاهان فرانسه:

Ordonnance de rois de France

آلمانی (برلن ۱۸۷۴) برابری وهمانندی کند وجود ندارد. نام این کتاب «تاریخ شطرنج و آئین آن» می باشد.

در اروپا مجله ها و نشریه هائی ویژه ی شطرنج انتشار می یابد که در آغاز باید مجله ی «شاش زیتونگ Schach zeitung» آلمانی را یاد کرد که پیشین ترین مجله در این باره به شمار می رود سپس باید مجله ی استرالیایی «Stratégie» را که از سال ۱۸۶۷ در پاریس منتشر می شود نام برد، از سال ۱۸۵۱ در یکی از پایتخت های شهرهای بزرگ و مهم اروپا مسابقه ای جهت این بازی تشکیل می یابد و نیز مسابقه ی سالیانه ای که پیوسته از سال ۱۸۷۳ میان دودانشگاه «کامبریج» و «آکسفورد» برپاست توانسته است بازیگران توانائی در این رشته پروراند.

مهره های شطرنج

چنانچه شناخته شده است صفحه ی شطرنج از: شاه - وزیر - رخ (قلعه)، پیل، اسب و پیاده ترکیب یافته است و در نزد اروپائیان وزیر، ملکه یا بانو (در نزد فرانسویان) گفته می شود. و این نام خالی از نادرستی و سبکی نیست زیرا این بازی، بازی شرقیست و از خوئیهای شرقیان این نیست که در دور مهمی که وزیر آنرا بازی می کند به ملکه یا بانو اجازه داده شود که در آن جا بایستد و این نامگذاری خود علتی دارد و آن اینکه در آغاز آمدن شطرنج به اروپا - وزیر Fercia خوانده می شد اما مردم تلفظ آنرا نمی پسندیدند تا اینکه روزی Vierge (دوشیزه - بانو) نامیده شد و از اینجاست که وزیر، ملکه یا بانو نامیده میشود.

در معنای سنگهای شطرنج، میان زبانهای اروپائی، اختلاف وجود دارد مثلا «پیل» در انگلیسی «اسقف» و در فرانسه «دیوانه» و در آلمانی «دونده» خوانده می شود.

اکنون اسم سنگها را به زبانهای انگلیسی، فرانسوی و آلمانی می آوریم (معادل عربی و پارسی آن نیز آورده می شود).

آلمانی	فرانسوی	انگلیسی	عربی - پارسی
Sech - Spiel	Echecs	Chess	شطرنج - شطرنج
Der Koenig	Roi	King	الملك - شاه
Die Koenigin	Dame بانو	Queen	الفرز - وزیر
Der Laeufer	Fou دیوانه	Bishop	الفیل - پیل
Der Spriger	Cavalier سوار	knight	الفرس - اسب
Der Turm	Tour برج	Rook	الرخ - رخ
Die Bauern	Pions مهره‌ها	Pawns	البیادق - پیاده

۱- بیادق واژه‌ایست که تازیان آنرا از پیاده پارسی گرفته‌اند.